



# پاسخ به پرسش‌های یک رهرو جوان

داود شهیدی

انتظار نمی‌کنم...  
تاریخ آماریست و جز این نیست  
که همه نفس‌شویید...  
تیراند و شکنجی...  
سوزن دگر را...  
می‌بندد...  
و رزق...  
در چشم...  
بر آفران...  
قبولی...  
مخول...  
می...  
شد...  
امروز...  
شد...  
خانک...  
خود می...  
تا او...

### اهمیت فرم در کاریکاتور

یک چیز فرم است و یک چیز شکل. شکل بیان صوری ایده است. مانند وقتی که قلم برمی‌داری و چیزی را که به نام سوژه یادداشت کرده‌ای، طراحی می‌کنی و به آن ایده شکل می‌دهی. آن شکل می‌تواند شکل یک درخت یا چشم انداز یا یخچال پر از مواد غذایی یا یک زن باشد.

ولی فرم خود حامل ارزش و بهایی است. فرم بدون محتوا و محتوا بدون فرم می‌تواند زندگی کند. فرم زندگی محتوا است و محتوا در فرم زندگی می‌کند.

فرم از عملکرد یا محتوا پیروی می‌کند. ولی دارای خصوصیات مستقلی است. می‌تواند محتوای خاصی را در فرم خاصی جستجو کرد یا به یک فرم خاص محتوا یا عملکرد را تزریق کرد.

برای شناخت فرم در کاریکاتور، آگاهی به شیوه‌های بیانی هنرهای تجسمی از قبیل خط، نقطه، سطح، حجم، مقیاس انسانی، بافت و فضا لازم است. همین‌طور پشتوانه طراحی کلاسیک و آناتومی و همین‌طور داشتن سبک یا روش شخصی در خلق فرم.

### تاثیر رنگ در کاریکاتور

لئوناردو داوینچی می‌گوید: بالاترین رنگ‌ها سیاه و سفید است. من اضافه می‌کنم احتمالاً به این دلیل که فضا در سیاه و سفید مشخص و مجرد است. شاید تفکر بهتر می‌تواند در سیاه و سفید زندگی کند. سیاه و سفید مرزبندی می‌کند میان هنر کاریکاتور و هنر تصویرسازی محض. سیاه و سفید فریبندگی واجساساتی‌گری رنگ را ندارد.

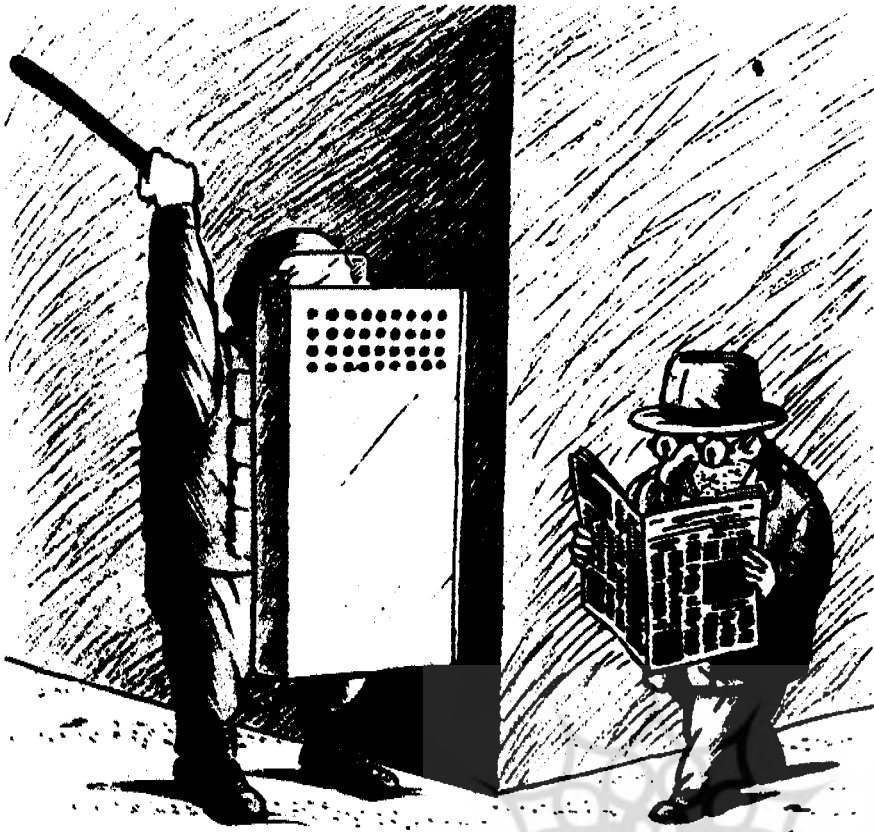
معمار سوئیسی لکوربوزیه بر عکس، رنگ را ستایش می‌کند؛ چون رنگ، شکل را تعریف و تبیین می‌کند.

معتقدم که سیاه و سفید به هنر ناب و مجرد و بیش‌تر در خدمت محتوا، بیان کامل‌تری را می‌بخشد تا رنگ؛ زیرا تصویر رنگی به یک زیبایی صوری نزدیک‌تر است.

بار دیگر، می‌گویم ولی رنگ می‌تواند تاکید کند و یا فضا سازی کند و کاریکاتور را از یک نواختی بیرون بیاورد و به آن شیرینی بصری بدهد تا به آرامش ذهنی مخاطب کمک کند. رنگ، تلخی سیاه و سفید را ندارد.

### تاثیر تکنیک

تکنیک مجموعه تلاش خلاقانه‌ای است که یک کاریکاتور را به مفهوم هنر به معنی عام آن، و در عین حال به تماشاگر آن به عنوان مخاطب



مستقل. ولی به نظر من گرافیک یک دیزاین است، در حالی که هنر کاریکاتور مثل معماری یا بافت فرش یا طراحی صنعتی و غیره یک دیزاین نیست، بلکه مثل هنر شعر یا مجسمه سازی یا نقاشی یک خلاقیت فکری و فرهنگی است و این‌ها با هم متفاوت‌اند. برای مثال، ما یک شعر را خلق می‌کنیم و یک اتوموبیل

نزدیک می‌کند و در نتیجه روشی است که فرم را به محتوا می‌یابد و از آن یک سیستم منسجم می‌سازد. به عبارت دیگر، تکنیک توانایی خلاق در خلق فرم یک کاریکاتور است و اصولاً هنر، بیانی از تکنیک و ترکیب و اتحاد فرم و محتوا می‌باشد. گرافیک را در مواردی مادر هنر کاریکاتور می‌دانند و در موارد دیگر یک هنر





پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



هنرمندانی هم هستند که موضوعی را دنبال نمی‌کنند و به تجربه‌های مجرد می‌پردازند، مثل کارهای اواخر هنر سئاول استاین برگ. همچنین کاریکاتورهایی هستند که طنز را به صورت تأثیر اساسی عناصر متشکله هنرهای تجسمی به کار می‌گیرند. مثل کاندینسکی و کله و یا خوان میرو. در این زمینه می‌توان از سوراليسم نیز یاد کرد مانند ماگريت.

### مدرنیته و کاریکاتور

عصر مدرن چیست؟ بخشی آخرین تاریخ بشر اروپایی است که از بعد از انقلاب صنعتی در فرانسه و بعد از رنسانس در کل اروپا شکل می‌گیرد. در این زمان، تاسیسات رسمی هنر کهن گرای و تفکر لفسر فوادل را دنبال می‌کند. بعد بورژوازه پدید می‌آید و فساد و صنعت تضاد طبقاتی را پدید می‌آورد.

بورژوازی عظمت خود را در هنر رسمی و آکادمیک و تاسیسات مربوط به آن جستجو می‌کند، ولی هنر واقعی خود را در خیابان‌ها و در کارخانه و چاپ و غیره پیدا می‌کند که یکی از مهم ترین آن‌ها هنر کاریکاتور است.

دومیه، یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های هنر کاریکاتور، به شدت به انتقاد از هرزگی و خرابکاری و فساد بورژوازی می‌پردازد و تحت تعقیب قرار می‌گیرد. گویا دیوانه‌وار طنز سیاه را خلق می‌کند و مسئله دموکراسی از یک سو و جوامع توتالیتر از سوی دیگر مطرح می‌شود. کولته‌نلسری و بی‌فرهنگی طبقه متوسط در طرح‌ها و کاریکاتورها نقش می‌بندند. ادعای پوچ سرمایه‌دارها برای حکومت بر سر تا سر تاریخ به سفره گرفته می‌شود. از سوی دیگر، هنر کاریکاتور تئوری‌های مدرن هنرهای تجسمی را در زمینه ترکیب بندی، رنگ و خط ناب و غیره به کار می‌گیرد و به آن‌ها زهر هنر اجتماعی می‌افزاید و از طریق روزنامه که یک عنصر مدرن است، به درون آحاد اجتماعی نفوذ می‌کند. یک هنر مستقل و مدرن پدیدار می‌شود.

امیدوارم این توضیحات توانسته باشد مانند نوری گرچه کم‌سو اما روشنگر مسیر رهروان جوان راه کاریکاتور باشد. در شمارهای بعدی نیز سعی خواهم کرد تا برخی از موارد مطرح شده را بیشتر بگشایم و توضیحات بیشتر و روشن‌تری برای علاقه‌مندان بیان کنم.

تفاوت کاریکاتورهای با شرح و بدون شرح کاریکاتور با شرح یک نمایش مصور است که پرسوناژهایی که به صورت کمدی یا جدی طراحی شده‌اند با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. این یک شرایط عاطفی کمدی یا تراژدی را خلق می‌کند.

کاریکاتور با شرح می‌تواند در رابطه با جریان‌های سیاسی به صورت قطعی و در شکل طرح روزنامه‌ای عمل کند و همین‌طور می‌تواند گستره وسیع‌تری راحت پوشش در آورد، مثل «ملانصرالدین، چنگر و غیره».

این نوع کاریکاتور می‌تواند حاوی انتیپشه عمیقی باشد ولی نه الزاما.

کاریکاتور بدون شرح یا کاریکاتور مدرن بسیار موضوع پیچیده‌تری است. علت مدرن دانستن این نوع کاریکاتور این است که بعد از دومیه به تدریج مطرح شد و سئاول استاین برگ آن را از هشو و زواند زبود و تبدیل کرد به هنر خط ساده، یا مثلا در کارهای طنز پردازان سیاه به فضاهای هاشوری ملیس شد.

کاریکاتور بدون شرح در واقع بدون اینکه جزو هنرهای زیبا باشد، دارای یک شخصیت مستقل به عنوان عنصر بصری (ویژوال) است. به این دلیل ممکن است زیبایی را خلق کند که احتیاج به شناسایی داشته باشد و به راحتی از طرف عوام روزنامه خوان قابل درک نباشد. البته در میان کاریکاتوریستها کسان بسیاری هستند که تفلیشان در حد شوخی‌های متعارف و کاملا معمولی است، ولی اصولا وقتی می‌توان نام هنر را بر آثار آنها گذاشت که حاوی طنز تصویری باشند.

در مواردی هنرمندان به تحلیل نظام‌های اجتماعی می‌پردازند و تلاش می‌کنند که با این گونه مسائل ایفا می‌کنند (مانند کروس و راخ). در مواردی هنرمندان به عرصه فلسفه وارد شده‌اند و مسئله وجود هستی، جبر و اختیار، پوچی و غیره را مطرح ساخته‌اند (مثل کورمه لن و توپور).